

تپش از پدیده شرخری مجازی و شگردهای وصول مطالبات
در شبکه‌های اجتماعی گزارش می‌دهد

شرخرهای مدرن



لیلا حسین زاده
جامعه‌شناس

حالا جز در کوی و برزن، در فضای مجازی هم جولان می‌دهند. بعضی‌هایشان زیرپوستی و بی‌سروصدا، بعضی دیگر اما بی‌هراس از پلیس، هم اسم و رسم‌شان را گذاشته‌اند و هم عکس‌شان را. با همان تتوها، همان رد چاقو روی بازو و پشت گردن و سرشان و البته هیکل‌هایی که دیدنش هول و ولا به دل خیلی‌ها می‌اندازد. مجرماتی که با افتخار، لقب شرخر را روی خود گذاشته‌اند و درآمدهای عجیب و غریبی دارند. بیشترین مشتریان شرخرها آنهایی هستند که می‌خواهند مهریه بگیرند اما نمی‌توانند، چک دارند اما وصول نمی‌شود، بدخواه دارند اما زور زدن و پیچاندن گوشش را ندارند، طلاق می‌خواهند اما نمی‌دهند یا در موارد زیادی، حوصله بالا و پایین کردن پله‌های دادگاه را ندارند و می‌خواهند کار را از طریق میانبر با طرف‌شان یکسره کنند.

تبلیغات در فضای مجازی

یکی از شرخرها، مردی تنومند با سری تراشیده و ریشی بلند در حدود سی و خرده‌ای ساله است که با عکس خودش مشتری جمع می‌کند. او خودش را این‌طور تعریف کرده: «سرعت و قدرت ما بیشتر از قانونه.» خدماتی که می‌دهد هم اینهاست: «وصول چک و سفته، رفع ایجاد مزاحمت، کتک‌کاری، ردیابی، نقطه‌زنی، رفت و آمد، تحقیقات، گوشمالی، درگیری، ضرب و شتم، نقص عضو کاری با چند سال سابقه کار. ما حق ضعیفان را می‌گیریم.»

در ادامه تهدیدهایش برای این که حساب کار دست‌تان بیاید با چه کسی طرف هستید، نوشته: «قیمت پایه کارها از پنج میلیون تومان شروع می‌شود تا ۸۰ میلیون تومان. وصول چک و سفته ۳۰ درصد هزینه داره. ۱۰ درصد قبل از کار و ۲۰ درصد بقیه را هم بعد از تموم شدن کار باید بدید. اگر کاری که داریم، حالا ضرب و شتم باشد یا گوشمالی و نقص عضو، تو شهرستان باشه، باید هزینه سفر و بیعانه را قبل از حرکت بدین. لب مطلب و شرایط کار همین‌هاست که گفتم، هستی بسم... نیستی وقت مارم نگیر.»

در ادامه حرف‌هایش برای این که نشان دهد چقدر در کارش حرفه‌ای است، گفته: «الان دیگه هر پیچی میری، هی میگن شرخر، شرخر، شرخر. بابا به مولا یارو طرف ۱۴ سالشه، پنج هزار تومن می‌ده یه بسته ایرانسل میخوره، روزی ۱۰ میلیون از مردم می‌زنه. نه عکسی از خودش گذاشته و نه حاضره حتی ۳۰ ثانیه بیاد تصویری بحرفه. می‌خواین باکسی کارکنین، اول طرف حساب‌تونو بشناسین، ببینین کیه. والا ما از خودمون تو پیچ عکس گذاشتیم، آدرس داریم، پلاک داریم، یه ایرانم مارو می‌شناسن. حالا باز خودتون می‌دونین، ولی هیچ‌وقت گول پیجای فیک رو نخورید، اینها پول پیش رو که ازتون بگیرن، پشت گوش‌تونو دیدین، پول‌تونو و اونارو هم دیدین.»

بعد هم برای این که واقعی بودن خودش را به شما ثابت کند، تصویر و آریزی‌های بانکی را روی صفحه‌اش قرار داده‌است. رقم‌ها هم متفاوت است. یک و نیم میلیون، سه و نیم میلیون، هشت میلیون، پنج میلیون. «جای دیگری هم گفته: «دوستان دایرکت‌ها زیاده، صبور باشین به همه رسیدگی می‌شه.» استوری بعدی را این‌طور ادامه داده: «دوستان از قبل رزرو کنید لطفا. سرما شلوغه و تاریخ بدید بهمون. بعد از کار ما دلخور نشین.»

درآمدزایی با شرخری

شرخر دیگری هم برای تاراندن رقبایش از میدان و ترساندن آنها که گوشه چشمی به او دارند، عکس خونین فردی را در اورژانس یک بیمارستان در صفحه‌اش قرار داده تا حساب کار دست آنهایی بیاید که برایش شاخ و شانه می‌کشند. تصویر بعدی باز هم از یک اورژانس است و مردی را از پشت نشان می‌دهد که زخم موری در حدود ۳۰ سانت روی کتف چپش با چاقو یا قمه زده‌اند. در توضیحش نوشته: «من اگه برسم بالا سرت، یه تیزی هست که میره تو گوشت و پوستت و اینم نمونه‌شه.» بعد تصویر چکی پنج میلیون تومانی را نشان می‌دهد که حق الزحمه‌اش است و به قول خودش حلال و پاک!

بعضی از کاربران برایش نوشته‌اند: «داداش مرسی، کار انجام شد. دیگه طرف پررویی نمی‌کنه و گذاشته کنار و مثل گوسفند شده.» کاربر دیگری به او گفته: «داداش می‌خوام یکیو طوری بزنی که سه هفته تو خونه زمینگیر بشه. چقدر هزینه‌شه؟»

از او می‌پرسیم چه تضمینی وجود دارد که بعد از پرداخت بانکی، کار انجام شود؟ صدایش را کلفت می‌کند و می‌گوید: «ببین آجی، ما نیازی به اعتماد کسی نداریم. می‌خوای برات رد بزیم، می‌زنیم با همون شرایط و تعرفه‌هایی که گفتیم، نمی‌خوای به سلامت. من وقت ندارم که حالا پیام خودمو به شما ثابت کنم. تادلت بخواد مشتری داریم و بیکارم نمی‌مونیم.»

وصول طلب با تهدید اسلحه

شاهرخ، شرخر دیگری بود که کار اصلی‌اش، وصول کردن چک‌های پاس نشده بود. ابزار کارش فقط سلاح گرم بود. نه مشت و لگد می‌زد و نه دنبال چاقو و قمه می‌رفت. سلاحش را مسلح می‌کرد و می‌رفت سراغ سفارشی که به او داده شده بود. او بالاخره سال ۹۲ دستگیر شد. یکی از شاکیان او مردی به نام ناصر بود که به اداره پلیس رفت و از مردی درشت هیکل به جرم سرقت خودرو و اموالش شکایت کرد. او گفت این مرد آمده بود تا یکی از چک‌های پاس نشده‌اش به مبلغ ۱۶۵ میلیون ریال را وصول کند. ماموران کلانتری ۱۲۵ یوسف آباد دست به کار شدند و رد خودروی متهم را در خیابان ۱۴ امیرآباد زدند و در بازرسی از خودرویش، یک قبضه سلاح گرم را کشف کردند.

